

پایه :	۴	موضوع :	عقاید ۴
تاریخ :	۹۱/۰۶/۰۸	ساعت :	۱۰/۳۰

پاسخنامه مدارس شهرستان

نام کتاب: بدایه المعارف از اول جلد ۱ تا اول الفصل الثانی فی النبوه

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

سؤالات تستی:

۱. به نظر شارح، کدام دلیل اثبات «واجب تعالی»، بر اصل علیت متوقف نیست؟
 ج ۲۳
 ا. برهان معلولیت ب. برهان حدوث و تغیر ج. برهان فطرت د. برهان ضرورت و وجوب
۲. إن الصفات ... تكون من الصفات الكمالية، لأنها كمال للذات دون الصفات ... فإنها متأخرة عن رتبة الذات.
 ب ۴۰
 ا. الجلالیة - الجمالیة ب. الثبوتیة - الفعلیة ج. الثبوتیة - السلبیة د. الفعلیة - الجمالیة
۳. کدام گزینه غلط است؟
 ج ۵۰-۵۲
 ا. التوحید الافعالیّ يستلزم التوحید فی العبودیة ب. التوحید فی الخالقیة و الربوبیة یعدّ من التوحید الافعالیّ
 ج. التوحید فی الذات لا يستلزم التوحید الأفعالیّ د. التوحید التشریحیّ هو أنّه لما عرفنا أنّ الخالق لیس إلّا هو فالتشریح حقّه
۴. «بداء محال» درباره خداوند از نظر شیعه کدام مورد است؟
 ب ۱۸۱
 ا. ظهور الأشياء على خلاف مقتضيات و المعدّات ب. البداء الذى مقرون بتبدل الرأى
 ج. التبدل و التّغیّر فی ناحیة فعله التکوینی د. التبدل و التّغیّر فی ناحیة فعله التشریحی

سؤالات تشریحی:

- * ثمّ إنّه قد استدللّ لوجوب طلب المعرفة بأنّ المعرفة ممّا اقتضتها الفطرة؛ إذ من الفطريات فطرة طلب الحقائق و كشفها.
 ۸
 ۱. شکل منطقی دلیل مذکور در عبارت را بیان کرده، اشکال شارح بر این دلیل را توضیح دهید.
 شکل منطقی: إنّ المعرفة ممّا اقتضتها الفطرة - وكلّ ما اقتضته الفطرة فهو واجب طلبه - فطلب المعرفة واجب.
 اشکال: إنّ مجرد كون الشيء فطرياً لا يستلزم الايجاب و الالزام (بخلاف الحكم العقلي فان الضرورة المدركة بالدرك العقلي تدعو الانسان نحو تحصيل المعرفة بحيث لو تخلف عنه لاستحق المذمة).

۲. برهان «امکان وجودی» بر اثبات خداوند را توضیح دهید.
 ۲۹

الوجود إمّا هو واجب و إمّا هو ممكن - و ذلك الانحصار لأنّ الوجوب و الإمکان شأن من الشؤون القائمة بالوجود و لیس الوجود خارجاً عنهما - فإن كان الموجود الخارجی هو الأوّل فهو المطلوب و إن كان الثانی فهو لا ینفک عن وجود الواجب المتعال لأنّ وجود المتعلّق و الفقیس بدون المتعلّق علیه و المفترق الیه خلف فی تعلّقه و فقره الیه و ربطه به.

۳. أ. تعریف صحیح «عبادت» را بنویسید. ب. چرا عزاداری و زیارت قبور از مصادیق «شرك در عبادت» نیست؟
 ۶۱ و ۶۶

أ. العبادة: هي إظهار الخضوع و التذلل في مقابل الغير بعنوان أنّه ربّ يستحقّ العبادة. ب. زیرا مطلق تعظیم و خضوع عبادت نیست بلکه تعظیم به عنوان اینکه رب است و مردم قبور انبیا و امامان را به عنوان اینکه رب هستند تعظیم نمی‌کنند بلکه چون آنها مخلوقات برتر و برگزیده خداوند هستند و تأسیاً به ائمه دین آنها را تعظیم می‌کنند.

۴. دلیل نقلی اشاعره بر «نفی حسن و قبح عقلی» را نقل و نقد کنید. ۱۱۱

دلیل: آیه شریفه «لا یسأل عما یفعل و هم یُسألون» ظهور دارد در این که قانون، همان اراده الهی است و جایی برای سؤال از فعل و اراده خدا نیست و لو به نظر ما ظلم و خلاف حکمت باشد. نقد: ۱. در معنا و مراد آیه احتمالات دیگری هم هست و اذا جاء الاحتمال بطل الاستدلال اگر نگوییم که معنای دیگر متعین است. ۲. آیات متعددی در قرآن وجود دارد که دلالت بر ثبوت حسن و قبح عقلی می‌کند.

۵. مادّیین، اعتقاد به خدا را ناشی از وهم و عدم شناخت علل طبیعی حوادث می‌دانند. دو دلیل بر بطلان این قول بیان کنید. ۸۳-۸۶

۱. بسیاری از موحدین، از علمای آگاه به علوم طبیعی می‌باشند که با کشف بیشتر علل پدیده‌ها، ایمان آنها به خداوند و صفات کمال بیشتر می‌شود. ۲. اگر ایمان عده قلیلی از موحدین ناشی از موحدین ناشی از این مطلب باشد اصل اعتقاد به وجود خدا - که با اصول محکم و براهین قطعی ثابت شده - زیر سؤال نمی‌رود.

۶. پاسخ تفصیلی «شبهه شرور» را براساس وجودی بودن شرور حقیقی، تقریر کنید. ۱۲۳

إنّ الشرور الوجودیة الحقیقیة من لوازم العالم المادی أو النظام الأحسن الأتم فالأمر یدور بین أن یتربک العالم المادی مع أن فیہ خیراً غالباً أو یوجد والثانی هو المتعین.

* و نعتقد أنّه تعالی لا بدّ أن یکلف عباده ... لأنّ ذلك لطف و رحمة بعباده. ۱۳۵

۷. ا. با توجه به عبارت، دلیل وجوب تکلیف را بنویسید. ب. از نظر مصنف، معنای «وجوب لطف» چیست؟ توضیح دهید.

ا. تکلیف بندگان از جانب خداوند لطف است، لطف بر خداوند واجب است، تکلیف بندگان واجب است.

ب. معنی الوجوب فی ذلك هو کمعنی الوجوب فی قولک «إنّه واجب الوجود» أي اللزوم واستحالة الانفکاک، ولیس معناه انّ أحداً یأمره بذلك.

۸. این شبهه را که «مقتضای علم ازلی خداوند، جبر است» با پاسخش تقریر نمایید. ۱۴۷

۱. وقد یتخیل الجبر بتوهم أنّ الجبر مقتضی علمه تعالی بالأمر من الأزل، وغایة تقریبه أنّ الله تعالی علم بكلّ شیء من الأزل، فحیث لا تبدیل ولا تغییر فی علمه الذاتی، فما تعلق العلم به فی الأزل یقع فی الخارج، طبقاً لما علمه من دون اختیار، والأفلا یكون علمه علماً، فمن كان فی علمه تعالی عاصياً لا یمکن أن یصیر مطیعاً. ۲. ولكن الجواب عنه واضح، حیث انّ العلم الذاتی لا یسلب الاختیار عن المختار، فمن كان فی علمه عاصياً بالاختیار یصیر كذلك بالاختیار، والألزم أن یمکن أن یمکن علمه جهلاً وهو محال.

۹. «نسخ» را تعریف کرده و وجه اشتراک و افتراق آن را با «بداء» توضیح دهید. ۱۸۶

النسخ هو ارتفاع الحكم بانقضاء زمانه و أمده. وجه الإشتراک: هو ظهور شیء منه تعالی علی خلاف المقتضیات السابقة (و إن كان المقتضی فی البداء هو المقتضی الثبوتی و المقتضی فی النسخ هو المقتضی الإثباتی).

وجه الإفتراق: هو أنّ فی البداء مقتضیات الشیء موجودةٌ و لكن فی النسخ لا مقتضی لوجود الحكم بحسب الواقع بعد إنقضاء أمد الحكم.